

اشاره شد که با همکاری اتاق تعاون و وزارت است. وزارت بدون هماهنگی با ما سندی تهیه کرد. همان‌که الآن به‌عنوان سند توسعه بخش تعاون که مصوب هیئت وزیران است و یک بندش اجرا نشده است. ما به وزارت، به دولت می‌گوییم شما یا این سند را قبول دارید یا ندارید؛ اگر قبول ندارید سال ۹۱ به تصویب رسیده، بیا باید آن را اصلاح کنید، اگر قبول دارید بیا باید آن را اجرا کنید. چون بخش تعاون هم حوزه فرابخشی؛ از بهداشت گرفته تا کشاورزی، صنعت، خدمات است. باید هماهنگی بین همه دستگاه‌ها باشد، این سند قرار بود این کار را بکند. الآن بعضی وقت‌ها ناهماهنگی‌هایی هم داریم؛ مثلاً الآن وزارت جهاد کشاورزی تنها از تعاونی کشاورزی حمایت می‌کند که زیرمجموعه خودش است و کاری به بقیه ندارد؛ یا وزارتخانه‌های دیگر هم به همین سبک و سیاق. در دولت اراده‌ای برای اجرایی شدن قانون و سیاست‌های کلی در حوزه تعاون وجود ندارد و شاید بتوانیم بگوییم نداشتن باور به این موضوع، اصلی‌ترین مانع محسوب می‌شود.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: این

صحبت شما به این معناست که هیچ نقص قانونی‌ای چه در قانون اجرا و چه در قوانین حاشیه‌ای وجود ندارد؟

نه اینکه هیچ نقصی وجود نداشته باشد؛ از نظر ما متن بدون نقص فقط قرآن است؛ اما برای اینکه به آن سهم ۲۵ درصدی برسیم، بیش از ۸۰ درصد از الزامات قانونی وجود دارد و هیچ مشکلی از این لحاظ نداریم؛ ولی مهم اجرای این است. شاید ضعف نظارت مجلس هم باشد، حتی در برخی سال‌ها خود مجلس هم مشکل ایجاد نموده و قانونی را بدون در نظر گرفتن قانونی که خودش پیشتر به تصویب رسانده بود، تصویب کرده است؛ پس اکنون نمی‌شود دولت را مقصر دانست؛ چون خودتان قانون و رویه را گذاشته‌اید. این اجرا نشدن، به‌رغم ابلاغ سیاست اصل ۴۴ و بعد قانون، به کارگزاران اقتصادی این مفهوم را می‌رساند که سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی بر این مسیر سوار است و شما باید خودتان را این‌طور هماهنگ کنید. آن‌ها چه در بخش خصوصی و چه بخش تعاونی هم به این سمت رفتند؛ اما وقتی آنچه ترسیم کرده‌ایم اجرا نشود،

۹۹ اگر تعاونی‌ها به امرا ارائه خدمت به اعضا با قیمت تمام‌شده پایبند باشند، مالیات بردارم‌شان صفر می‌شود؛ چون دیگر به‌هرحال متعادل است، یعنی شما قیمت تمام‌شده به اعضا بدهید، سودی نیست و مالیات درآمدی شما صفر می‌شود. چه انگیزه‌ای از این بالاتر!

موجب بی‌اعتمادی و عدم باور به سیاست‌ها خواهد شد، می‌گوید شما ترسیم کردید، ما هم خودمان را با آن هماهنگ کردیم، اما در عمل اتفاق دیگری دارد می‌افتد. به همین دلیل نه اینکه هیچ مشکل قانونی نباشد، به‌هرحال چون عرصه اقتصاد عرصه پویایی است، هر لحظه باید رفتارهای مناسب با آن زمان را داشته باشید، اما واقعاً الآن مشکل اصلی عدم اجرای قانون است؛ چه سیاست‌های کلی، چه قانونی که مصوب مجلس است و چه مصوبات خود دولت که یکی از آن‌ها همین سند توسعه است.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: ابتدای

بحث در مورد ماهیت تعاونی‌ها صحبت کردید، یکی از ایرادات اصلی تقنینی بحث تعریف تعاونی‌ها در قوانین مربوطه و به‌طور مشخص قانون بخش تعاونی ۱۳۷۰ است. این قانون تعریف خاصی از بخش تعاونی یا شرکت‌هایی که در این زمینه فعال هستند ارائه نمی‌دهد، تنها تعریفی که به آن اکتفا می‌کند این است: تعاونی‌ها شرکت‌هایی هستند که بر اساس این قانون تشکیل می‌شوند؛ واقعاً تعریف نارسایی است، نکته دیگر و ایراد جدی که دوستان اقتصادی هم خیلی وارد می‌دانند این است که واقعاً عوامل انگیزشی در بخش تعاونی کم است؛ یعنی اگر در بخش خصوصی خود آن نگاه سودمحور انگیزه ایجاد می‌کند که افراد و فعالان اقتصادی به آن سمت بروند، در بخش تعاونی عوامل انگیزشی وجود ندارد. این دو موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

درست است ایراد آخری که حضرتعالی گرفتید به دلیل ناآشنایی با مفهوم تعاونی است، یعنی شما می‌خواهید با همان معیار و متر بخش

خصوصی اینجا را هم ارزیابی کنید. می‌گوید آنجا پولی سود دارد که می‌گذارم، سود دارد. بخش خصوصی با آن هدف شکل گرفته است، اما به‌هرحال منفعت اقتصادی فقط آن نیست که شما یک پولی بگذارید در نهایت سودی گیرتان بیاورد. شما به‌گونه‌ای دیگر به موضوع نگاه کنید؛ شما کارمندان یک اداره هستید، می‌خواهید پولی بگذارید که هزینه مواد اولیه و مایحتاجی که از بیرون باید تهیه کنید کمتر شود، یا در مورد تعاونی‌های تأمین اعتبار، یا در تعاونی‌های تأمین نیاز، تولیدکننده‌ها می‌خواهند با هزینه کمتری تولید کنند. صد نهاد یا شرکت کوچک و متوسط کنار هم قرار گیرند، به جرئت می‌گوییم اگر به اصول تعاونی پایبند باشند و به هم اعتماد داشته باشند، بین ۲۰-۵۰ درصد از هزینه مواد اولیه‌شان کاهش پیدا می‌کند. چه منفعت و انگیزه‌ای از این بهتر؟ جالب اینجاست اگر تعاونی‌ها به امر ارائه خدمت به اعضا با قیمت تمام‌شده پایبند باشند، مالیات بر درآمدشان صفر می‌شود؛ چون دیگر به‌هرحال متعادل است، یعنی شما قیمت تمام‌شده به اعضا بدهید، سودی نیست و مالیات درآمدی شما صفر می‌شود. چه انگیزه‌ای از این بالاتر!

بخشی از مشکل به انحراف تعاون‌گرها نیز بازمی‌گردد

این ایرادی که می‌گیرند ناشی از انحراف تعاون‌گرها هم بوده است؛ هم اشکال قانونی داریم، هم از آن طرف خود تعاون‌گرها با فلسفه تعاونی پیش نرفته‌اند. الآن خیلی از تعاونی‌ها یا تأمین نیازها، یا تأمین اعتبارها به غیر اعضا خدمات می‌دهند. اگر به آن اصول تعاونی برگردیم که تعاونی‌ها باید به ارائه خدمت فقط به اعضا پایبند باشند، آن وقت معنا و مفهوم پیدا می‌کند. خود بخش خصوصی هست، بخش دولتی هست و این‌ها هم هستند. من می‌گویم شما اگر تعاونی تأمین نیاز شکل دهید و به هم اعتماد داشته باشید مواد اولیه با قیمت کمتری به کارکنان می‌رسد. یا اگر برخی افراد بیایند، چه یک محله، چه کارکنان یک جایی بگویند هدف ما این است که مایحتاج و نیازهای اساسی منزلمان با کمترین قیمت به دستمان برسد، این موضوع امکان‌پذیر است.

ما از ماهیت تعاونی فاصله گرفته‌ایم. در